



دبیر گروه اقتصادی وحید عظیم‌نیا

معمله بر سر رفاه مردم، نه هنر است و نه خدمت، بلکه چشم‌پوشی از بنیادی‌ترین مسئولیت حاکمیت است. در جهان پیچیده امروز که انرژی زبان مشترک قدرت و شاخصی تعیین‌کننده در مرز میان وابستگی و اقتدار به‌شمار می‌رود، غنی‌سازی اورانیم صرفاً یک فناوری نیست؛ تبلور اراده‌ای ملی است برای آنکه ملتی سرنوشست خود را به دست گیرد، نه آنکه آینده‌اش را به بند توافقی‌هایی بسپارند که با یک تغییر سیاست فرو می‌ریزد. طرف مقابل به خوبی می‌داند که سوخت هسته‌ای، نه‌فقط عنصر فنی در دل نیروگاه‌ها که اهرم سیاسی بر گلوگاه اقتصاد کشورهاست، به همین دلیل بر یک واژه تمرکز می‌کند؛ غنی‌سازی. می‌دانند بی‌آن صنعت هسته‌ای ایران ما پیکری است بی‌قلب. رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم سی و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) با نگاهی ژرف و بیانی هوشمندانه، حق مطلب را ادا کردند: «غنی‌سازی کلیل صنعت هسته‌ای است.» اما نسبت

غنی‌سازی با اقتصاد ملی و رفاه عمومی چیست؟ پاسخ این پرسش را باید در چند ساختار اهرم‌دی جست؛ امنیت انرژی که زیرساخت هر پیشرفت پایدار است، خلق ارزش افزوده ملی که کشور را از خام‌فروشی می‌رهاند، افزایش قدرت چانه‌زنی اقتصادی در عرصه بین‌الملل، توسعه زنجیره‌های فناوریانه که موتور محرک نوآوری است و در نهایت، حفظ عزت، شأن و هویت یک ملت که تنها در سایه تکیه بر توان درون‌زا معنا می‌یابد.

در دنیای امروز، انرژی همان نقش خون را در رگ‌های اقتصاد ایفا می‌کند. اگر کشوری در تأمین انرژی پایدار و قابل اتکا به خود متکی نباشد، هر سیاست صنعتی و اقتصادی آن در معرض لرزل قرار می‌گیرد. برق تولیدی از نیروگاه‌های هسته‌ای، به‌ویژه در عصر گذار از سوخت‌های فسیلی، یکی از ارکان این امنیت انرژی است. ایران‌مان کشوری است با ظرفیت فوق‌العاده برای توسعه نیروگاه‌های هسته‌ای؛ از لحاظ منابع انسانی متخصص، دانش بومی و زیرساخت‌های پایه. اما سوخت این نیروگاه‌ها، یعنی میله‌های سوخت اورانیمومی به غنی‌سازی نیاز دارند و بدون آن، ما مجبور خواهیم بود برای هر کیلوگرم سوخت به سه دلار بازار جهانی برویم، بازاری که شدیداً تحت سیطره چند قدرت محدود است. وابستگی در تأمین سوخت نیروگاه‌ها، یعنی وابستگی در تولید برق و وابستگی در تولید برق، یعنی شکنندگی در تمام‌شریان‌های اقتصادی؛ از صنعت گرفته تا زندگی روزمره مردم. امروز که دنیا به سمت «الکترونیک شدن» پیش می‌رود، از خودروها گرفته تا حمل‌ونقل ریلی و صنایع سنگین، هیچ کشوری نمی‌تواند بدون

یک سیاست هوشمندانه تأمین انرژی، رفاه عمومی را تضمین کند. غنی‌سازی اورانیم، اگرچه در نگاه نخست به عنوان فناوری تأمین سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای شناخته می‌شود، اما در واقع یک اهرم مهم اقتصادی و یک «زنجیره ارزش اهرم‌دی» در اقتصاد ملی است. توانایی تولید مستقل سوخت هسته‌ای، نه‌تنها به کشور اجازه می‌دهد امنیت انرژی خود را تثبیت کند، بلکه به موتور رشد و توسعه در بخش‌های متنوعی از اقتصاد بدل می‌شود. نخستین و آشکارترین اثر غنی‌سازی در حوزه امنیت و تنوع سبد انرژی کشور است. در دنیایی که هر حرکت به سمت انرژی‌های کم‌کربن و پایدار اجتناب‌ناپذیر شده است، نیروگاه‌های هسته‌ای می‌توانند به بخش مهمی از تأمین برق ملی تبدیل شوند. برق ارزان و پایدار، ستون فقرات رشد صنایع است. در غیاب این زیرساخت، هزینه تولید در صنایع راهبردی و پایین‌دستی افزایش می‌یابد و رقابت‌پذیری کشور در بازارهای جهانی تضعیف می‌شود، اما ماجرا به صنعت برق محدود نمی‌ماند. کشاورزی نیز بزم پندخت از توانمندی‌های فناوریانه صنعت هسته‌ای بهره می‌برد. کاربردهای بی‌نظیری در مدیریت منابع آب، افزایش بهره‌وری آبیاری، شناسایی دقیق نیازهای کودی خاک و حتی بهبود ژنتیکی بذرها، همه در گرو دسترسی بومی غنی‌سازی پایدار نمی‌ماند. کشاورزی کشورمان، به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک با استفاده هوشمندانه از این فناوری می‌تواند با منابع کمتر، بازده بیشتری تولید کند و امنیت غذایی کشور را ارتقا دهد.

همچنین در حوزه پزشکی، رادیوداروها و پروت‌های درمانی نقشی حیاتی ایفا می‌کنند. ساخت این داروها و تجهیزات به زنجیره تولید و غنی‌سازی اورانیم پیوند خورده است. امروز هزاران بیمار در کشورمان به جای واردات بر هزینه رادیودارو از تولید داخلی آن بهره می‌برند. گسترش این ظرفیت، می‌تواند ایران را به صادرکننده منطقه‌ای خدمات و فرآورده‌های پزشکی هسته‌ای بدل کند. در سطح اقتصاد کلان نیز غنی‌سازی بومی از وابستگی ارزی کشور می‌کاهد. واردات سوخت هسته‌ای، نه‌تنها بر هزینه است، بلکه همواره در معرض مخاطرات تحریمی قرار دارد. توان داخلی در این حوزه، صرفه‌جویی ارزی به همراه می‌آورد و همزمان قدرت چانه‌زنی کشورمان را در مبادلات بین‌المللی منابع آب، افزایش بهره‌وری آبیاری، شناسایی دقیق موتور توسعه فناوری‌های پیشرفته در کشور است؛ مهندسی مواد، رباتیک دقیق، سیستم‌های علاج الکترونیک پیشرفته و اتوماسیون صنعتی، همگی در تعامل با این صنعت رشد می‌کنند. این زنجیره فناوریانه، شغل‌های باارزش و دانش‌بنیان ایجاد می‌کند و به افزایش بهره‌وری اقتصاد ملی می‌انجامد. به بیان ساده، غنی‌سازی برای اقتصاد مانه هزینه، بلکه یک سرمایه‌گذاری اهرم‌دی است، سرمایه‌ای که اگر به درستی مدیریت شود و توسعه یابد، می‌تواند آینده‌ای پایدار، مولد و رقابت‌پذیر برای کشور برزند.

غنی‌سازی صرفاً یک فناوری نیست؛ محور یک زنجیره عظیم ارزش‌افزوده است. وقتی کشوری به توان غنی‌سازی دست می‌یابد، نه‌تنها سوخت نیروگاه‌های خود را تولید می‌کند، بلکه می‌تواند به یک بازیگر مهم در بازار جهانی خدمات هسته‌ای بدل شود. این به معنای درآمدزایی ارزی، ایجاد صنایع پایین‌دستی و بالادستی مرتبط و شکوفایی اکوسیستم فناوری است. برای ایران اسلامی که ما به دنبال تنوع‌بخشی به درآمدهای ارزی و کاهش وابستگی به نفت است، غنی‌سازی یک فرصت بی‌بدیل است؛ یک پیش‌ران مهم در دیپلماسی اقتصادی و فناوری. از منظر راهبردی، غنی‌سازی بستری برای تضمین تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی است و در غیاب آن، هر بار که به سوخت نیاز داریم باید به قدرت‌های بزرگ التماس کنیم، همان‌ها که بارها نشان داده‌اند آمادگی دارند از انرژی به‌عنوان اهرم فشار سیاسی استفاده کنند. این را در سال‌های گذشته به‌روشنی دیده‌ایم؛ کشوری که فناوری غنی‌سازی ندارد، همواره در معرض باج‌خواهی‌های آشکار و پنهان قرار می‌گیرد، اما غنی‌سازی بومی به کشورمان اجازه می‌دهد که این چرخه باطل را بشکند و با قدرت بر سر میز مذاکره بنشیند و در معادلات جهانی یک بازیگر باشد، نه یک بازیچه از طرفی دستپایه فناوری غنی‌سازی، یک موضوع صرفاً علمی نیست، یک شاه‌کلید فناوریانه است، چراکه در دل خود مجموعه‌ای از دانش‌های پیشرفته را به کار می‌گیرد. هر کشوری که در این مسیر گام می‌نهد، ناگزیر ظرفیت نوآوری ملی خود را به شکوفایی می‌رساند. این یعنی ارتقای دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان، صنایع پیشرفته و در نهایت افزایش بهره‌وری ملی.

جان کلام آنکه غنی‌سازی اورانیم، فراتر از یک فناوری فنی، پیش‌ران راهبردی برای استقلال اقتصادی، امنیت انرژی و ارتقای رفاه عمومی است. بدون آن، صنعت هسته‌ای وابسته و اقتصاد ملی آسیب‌پذیر باقی می‌ماند. غنی‌سازی به‌تنها ضامن تولید برق پایدار و ارزان، بلکه محرک رشد در حوزه‌هایی چون کشاورزی نوین، پزشکی هسته‌ای، صرفه‌جویی انرژی و توسعه فناوری‌های پیشرفته است. این توانمندی، ایران‌ما را از موقعیت مصرف‌کننده صرف، به جایگاهی فعال در اقتصاد جهانی سوق می‌دهد. سرمایه‌گذاری در غنی‌سازی، سرمایه‌گذاری در آینده‌ای مستقل، پایتاب و رقابت‌پذیر است. اینجا معامله جایگاهی ندارد.

سفره‌های مردم در تنگنای تورم نفس می‌کشند. گزارش اخیر بانک جهانی نشان می‌دهد نرخ تورم مواد غذایی در ایران از ۲۶/۳ درصد در ابتدای سال ۲۰۲۵ به ۴۲/۳ درصد در عرض چهار ماه جهش کرده‌است؛ رشدی که فشار بی‌امانی بر معیشت خانوارها، به‌ویژه دهک‌های پایین، وارد می‌کند. این افزایش ۱۶ درصدی، که در بازه‌ای کوتاه رخ داده، زنگ خطری برای اقتصاد کشورمان است. در حالی که مسئولان دولتی از بهبود شرایط تورمی سخن می‌گویند، داده‌های مستند، روایتی متفاوت را فریاد می‌زنند: شکاف میان وعده‌ها و واقعیت، اعتماد عمومی را به چالش کشیده‌است. عوامل جهانی نظیر نوسانات بازارهای بین‌المللی و اختلال در زنجیره تأمین، همراه با چالش‌های داخلی مانند ضعف مدیریت ذخایر، این بحران را تشدید کرده‌اند. کاهش قدرت خرید، کوچک‌تر شدن سبد غذایی و تهدید سلامت عمومی، تنها بخشی از پیامدهای این جهش تورمی است. اکنون، بیش از هر زمان، نیاز به سیاست‌گذاری هوشمندانه، شفافیت در آمار و اقدامات عملی برای تثبیت قیمت‌ها احساس می‌شود. دولت باید با برنامه‌های هدفمند و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، مانع از عمیق‌تر شدن این بحران شود. مردم شایسته زندگی‌ای هستند، که تأمین نیازهای اولیه، دغدغه‌ای روزانه نباشد.

■ ■ ■

تورم مواد غذایی، به دلیل نقش محوری آن در سبد هزینه‌های خانوارهای ایرانی، به‌ویژه دهک‌های پایین و متوسط، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. این افزایش چشمگیر در بهای اقلام خوراکی نظیر نان، لبنیات، گوشت و روغن، فشار مضاعفی بر اقشار آسیب‌پذیر وارد کرده‌است. داده‌های مرکز آمار نیز تأیید می‌کند که در سال‌های اخیر، گروه‌های خوراکی و آشامیدنی همواره بیشترین تورم بوده‌اند. حال، جهش اخیر تورم مواد غذایی به ۴۲/۳ درصد، که در بازه‌ای کوتاه رخ داده، نشان‌دهنده شتاب گرفتن این روند نگران‌کننده است. این افزایش قیمت‌ها، به‌ویژه در شرایطی که قدرت خرید مردم به دلیل تورم عمومی بالا و رشد دستمزدها کاهش یافته، به معنای کوچک‌تر شدن سفره‌های مردم است. برای خانواده‌ای که بخش عمده درآمدش صرف تأمین نیازهای اولیه می‌شود، این جهش تورمی می‌تواند به معنای حذف اقلام ضروری از سبد غذایی یا کاهش

کیفیت تغذیه باشد. کاهش کیفیت تغذیه، به نوبه خود، پیامدهای بلندمدتی نظیر سوءتغذیه، کاهش سلامت عمومی و افزایش هزینه‌های درمانی را به دنبال خواهد داشت. بر اساس مطالعات سازمان بهداشت جهانی، سوءتغذیه می‌تواند به کاهش بهره‌وری نیروی کار، افزایش بیماری‌های مزمن و تحمیل هزینه‌های سنگین به نظام سلامت منجر شود.

#### عوامل کلیدی و ریشه‌های تورم

بررسی عوامل این جهش تورمی نیازمند نگاهی چندوجهی است. از یک سو، گزارش بانک جهانی به تأثیرات جهانی نظیر نوسانات قیمت مواد غذایی در بازارهای بین‌المللی، اختلال در زنجیره تأمین به دلیل تنش‌های ژئوپلیتیک و افزایش هزینه‌های انرژی اشاره دارد. برای مثال، افزایش قیمت جهانی غلات به دلیل تنش‌های منطقه‌ای و تغییرات اقلیمی، هزینه‌های تولید مواد غذایی را بالا برده‌است. از سوی دیگر، عوامل داخلی نظیر حذف ارز ترجیحی، افزایش هزینه‌های تولید، ناکارآمدی در توزیع و ضعف در مدیریت ذخایر



رغاده‌شیری | جوان

راهبردی نیز نقش مهمی در این روند داشته‌اند. حذف ارز ترجیحی، که از سال ۱۴۰۱ آغاز شد، هر چند با هدف شفاف‌سازی بازارها انجام گرفت، اما به افزایش ناگهانی قیمت مواد غذایی منجر شد و اثرات آن همچنان ادامه دارد. به این عوامل باید کسری بودجه مزمن دولت، فشارهای ارزی و انتظارات تورمی را نیز افزود. پیش‌تر این هشدار داده شده‌بود که تداوم تورم بالای ۴۰ درصد، همراه با انتظارات تورمی بالا، می‌تواند به تشدید فشار بر خانوارها منجر شود. نوسانات نرخ ارز، که بخشی قابل توجهی از مواد اولیه غذایی وارداتی است، مستقیماً به افزایش قیمت‌ها دامن زده‌است. همچنین، ضعف در نظارت بر بازار و دلال‌بازی در زنجیره توزیع، فاصله قیمت تولید تا مصرف را به شدت افزایش داده‌است.

#### تناقض میان آمار و اظهارات

آنچه این گزارش را بیش از پیش بر جسته می‌کند، تناقض میان داده‌های مستند و اظهارات برخی مسئولان است. برخی مقامات دولتی مدعی بهبود شرایط تورمی شده هستند، اما جهش ۱۶ درصدی راهبردی نیز نقش مهمی در این روند داشته‌اند. حذف ارز ترجیحی، که از سال ۱۴۰۱ آغاز شد، هر چند با هدف شفاف‌سازی بازارها انجام گرفت، اما به افزایش ناگهانی قیمت مواد غذایی منجر شد و اثرات آن همچنان ادامه دارد. به این عوامل باید کسری بودجه مزمن دولت، فشارهای ارزی و انتظارات تورمی را نیز افزود. پیش‌تر این هشدار داده شده‌بود که تداوم تورم بالای ۴۰ درصد، همراه با انتظارات تورمی بالا، می‌تواند به تشدید فشار بر خانوارها منجر شود. نوسانات نرخ ارز، که بخشی قابل توجهی از مواد اولیه غذایی وارداتی است، مستقیماً به افزایش قیمت‌ها دامن زده‌است. همچنین، ضعف در نظارت بر بازار و دلال‌بازی در زنجیره توزیع، فاصله قیمت تولید تا مصرف را به شدت افزایش داده‌است.

## تورم سلامت، محرومان را به حاشیه می‌راند

افزایش بی‌ضابطه تعرفه‌های پزشکی در سال ۱۴۰۴، دسترسی اقشار کم‌درآمد به خدمات درمانی را دشوار تر از همیشه کرده است

خصوصی، حتی فراتر از تعرفه‌های مصوب هزینه دریافت می‌کنند. این تخلفات که با نبود نظارت قوی همراه شده به افزایش پرداختی مستقیم از جیب مردم و فرار مالیاتی منجر شده است.

#### محرومیت اقشار کم‌درآمد

بالا رفتن هزینه‌های درمانی بیش از همه، اقشار محروم را تحت فشار قرار داده است. در شرایطی که نرخ تورم عمومی کشور در سال ۱۴۰۴ حدود ۳۴ درصد گزارش شده، افزایش ۴۶ درصدی تعرفه‌های پزشکی به معنای تحمیل بار مضاعف بر دوش خانوارهای کم‌درآمد است. بسیاری از این خانواده‌ها که پیش‌تر نیز برای تأمین نیازهای اولیه مانند غذا و مسکن با دشواری مواجه بودند، اکنون مجبورند بین درمان و پرداخت یک‌ریز برای انتخاب کنند. در برخی مناطق محروم، بیماران به دلیل ناتوانی مالی از دریافت خدمات ضروری صرف‌نظر کرده یا به مراکز دولتی با صف‌های طولانی و امکانات محدود روی آورده‌اند. این وضعیت، نابرابری‌های اجتماعی را تشدید کرده است. در حالی که اقشار مرفه

صراحتاً بیمار را تحت فشار قرار می‌دهند تا شوه یا زیرمیزی با عنوان بامسمای «حق کار» پرداخت کنند. جالب آنکه پای چنین پزشکانی به بیمارستان‌های ارتش هم باز است و مسئولان بازرسی بیمارستان هم معتقدند کاری در این زمینه نمی‌توانند انجام دهند و باید موضوع از طریق نظام پزشکی پیگیری شود، یعنی جاقود دسته خودش را ببرد این ارقام برای خانواده‌ای که با درآمد اندک دست‌وپنجه نرم می‌کند به معنای تخصیص قابل توجهی از بودجه خانوار به هزینه‌های درمانی است.

منتقدان، این سیاست را «صنف‌گرایانه» می‌دانند، به این معنا که بیش از حد به منافع کادر پزشکی مراکز درمانی توجه کرده و توان مالی بیماران را نادیده گرفته‌اند. در حالی که پتانژیک رشد تعرفه‌ها بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴ حدود ۴ درصد بود، جهش ناگهانی ۴۶ درصدی در ۱۴۰۴، بدون زیرساخت‌های نظارتی و بیمه‌ای کافی، شوک بزرگی به نظام سلامت وارد کرده است. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد برخی پزشکان در بخش

همچنان به خدمات باکیفیت در بیمارستان‌های خصوصی دسترسی دارند، اقشار کم‌درآمد به حاشیه رانده شده‌اند. به گفته کارشناسان، این شکاف می‌تواند به کاهش شاخص‌های مزمن درمان نشده و حتی افزایش بیماری‌های مزمن درمان نشده و حتی مرگ‌ومیرهای قابل پیشگیری منجر شود. به گفته میثم ظهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، «تورم ماهانه درمان و بهداشت در اردیبهشت‌ماه امسال بالاترین تورم چهار دهه اخیر است که بخش مهمی از آن حاصل سیاست‌های صنف‌گرایانه وزارت بهداشت است. افزایش بی‌ضابطه تعرفه‌های سلامت است. نتیجه این سیاست از دسترس خارج شدن خدمات سلامت برای بخشی از طبقات محروم بوده است».

#### چالش‌های ساختاری و نقش بیمه‌ها

یکی از نقاط ضعف اصلی نظام سلامت کشورمان، ضعف پوشش بیمه‌ای است. بیمه‌های پایه، مانند تأمین اجتماعی و بیمه سلامت به دلیل محدودیت منابع، نتوانسته‌اند پوشش کافی برای تعرفه‌های جدید ارائه دهند. این موضوع، بیماران را مجبور کرده تا بخش اعظم هزینه‌ها را جیب خود پرداخت کنند. در چنین شرایطی، افزایش تعرفه‌ها بدون تقویت زیرساخت‌های بیمه‌ای به معنای انتقال بار مالی به بیماران است.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول

شرکت تعاونی تولیدی توزیعی مصباح پیام نور

ثبت شده بشماره ۱۴۲۲۰۸ و شناسه ملی: ۱۰۱۰۱۸۵۱۹۸۸

مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی تولیدی توزیعی مصباح پیام نور در ساعت ۸:۳۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۴ در محل تهران بزرگراه هجرت، بلوار هجرت، سالن اجتماعات شهید شوشتری به صورت حضوری بر گزار میشود. از کلیه اعضاء دعوت می شود شخصاً یا وکالتاً جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور به هم رسانند.

#### ضمناً به اطلاع میرساند که به موجب ماده ۱۹ آئین نامه نحوه تشکیل مجامع

عمومی در مجامع عمومی یک مر حله ای ، به جز مجامع عمومی الکترونیکی هر یک از اعضاء تعاونی میتواند نماینده تام الاختیاری (از میان اعضاء تعاونی یا خارج از آنان) برای حضور در مجمع و اعمال رای تعیین نماید که می بایست به همراه نماینده خود حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۴ در ساعات اداری در محل

تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت توسط نماینده هیئت مدیره و بازرس بر گه ورود به مجمع را دریافت دارند؛ ضمناً تعداد آراء وکالتی هر عضو و هر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود.

#### دستور جلسه:

تغییر آدرس شرکت (ماده ۶ اساسنامه)

هیئت مدیره شرکت تعاونی تولیدی توزیعی مصباح پیام نور

## امور مشترکین و توزیع

## روزنامه جوان

۸۸۴۹۸۴۷۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول – شرکت تعاونی تولیدی توزیعی مصباح پیام نور

شماره ۱۴۲۲۰۸ و شناسه ملی: ۱۰۱۰۱۸۵۱۹۸۸

جلسه مجمع عمومی عادی نوبت اول شرکت تعاونی تولیدی توزیعی مصباح پیام نور اس ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ در محل تهران بزرگراه بسیج بلوار هجرت سالن اجتماعات شهید شوشتری به صورت حضوری تشکیل می گردد.

لذا از کلیه اعضاء دعوت میشود با در دست داشتن کارت و یا دفترچه عضویت راس ساعت مقرر در محل مذکور حضور به هم رسانید و یا وکیل / نماینده خود را کتبا معرفی نمایند. ضمناً به اطلاع میرساند که به موجب ماده ۱۹ آئین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی: در مجامع یک مر حله ای ، به جز مجامع عمومی الکترونیکی هر یک از اعضاء تعاونی می تواند نماینده تام الاختیاری (از میان اعضاء تعاونی یا خارج از آنان) برای حضور در مجمع و اعمال رای تعیین نماید. که می بایست به همراه نماینده خود حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ در ساعات اداری در محل تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت توسط نماینده هیئت مدیره و بازرس بر گه ورود به مجمع را دریافت دارند؛ ضمناً تعداد آراء وکالتی هر عضو و هر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود.

داوطلبان تصدی سمتهای بازرسی موظفند حداکثر ظرف پنج روز پس از انتشار آگهی دعوت، فرم داوطلبی را به همراه مدارک مربوطه (کپی شناسنامه، کپی کارت ملی، کپی کارت پایان خدمت، اصل عدم سوء پیشینه) را تکمیل و در ساعات اداری تحویل دفتر تعاونی نمایند.

#### دستور جلسه:

۱- ارائه گزارش هیئت مدیره و بازرس

۲- انتخاب بازرس اصلی و علی البدل برای سال مالی ۱۴۰۴ و نحوه تقسیم سود

۳- طرح و تصویب صورتهای مالی منتهی به سال ۱۳۰۲

۴- طرح و تصویب برنامه و بودجه سال ۱۴۰۴

۵- طرح و تصویب افزایش سرمایه

۶- تعیین روزنامه کنبرال انتشار جهت درج آگهی های قانونی شرکت